



## آیا طوفان نوح واقعیت تاریخی دارد؟

(۲)

«ویلکو کس»<sup>۱</sup> انگلیسی که کوششهایی زیاد برای عمران بین النهرین که در دوران تسلط عثمانیها صدمات زیادی دیده بود، بعمل آورد، به بررسی موضوع طوفان نوح نیز علاقه نشان داد و در یک سخنرانی که در اسکندریه ایراد کرد، فرضیات جالبی درباره منشأ و دامنه این طوفان ارائه داد. بعقیده او طغیان رودخانه فرات را با بیدار شدن منشأ بر و زطوفان نوح دانست و ی عقیده دارد که طغیان رودخانه مذکور سدهای آن را شکسته بوده است و تمام دشت واقع در پائین رودخانه در آن گرفتار و کلیه موجودات آنجا را اعم از انسان و حیوان از بین برده بوده است. حضرت نوح که قبلاً نسبت به استحکام سد تردید پیدا کرده بود و فروریختن آن را پیش بینی میکرد، برای مقابله با این خطر احتمالی مبادرت به ساختن یک کشتی نموده بود. بنابراین موقعیکه طوفان در حوالی کربلای فعلی که محل سکونت نوح بود، رخ داد، وی توانست با کشتی خود از آن منطقه خارج شود. امواج آب کشتی او را بسوی ناحیه «قرنه» یعنی محلی که رودخانه های فرات و دجله بهم نزدیک میشوند، سوق داد و چون آب در این محل فروکش کرده بود کشتی در آنجا بجا نشست.

این فرضیه با آنکه جالب بنظر میرسد و اقیامات جغرافیائی و تاریخی و حتی با متون تورات تطبیق نمیکند.

روایت تورات درباره طوفان نوح که محتملاً در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد توین

\* آقای دکتر هادی خراسانی از ترجمانان چیره دست معاصر.

شده بهیچوجه يك روايت ابتكاري نيست بلکه اقتباسی است از داستانهای قدیمی بابلی و آسوری. در سال ۱۸۷۲ بقایای کتابخانه سلطنتی «نینوا» کشف گردید و یکی از متونیکه از این کتابخانه بدست آمد يك حماسه بابلی بود که در حدود ۲۶۰۰ سال قبل از مسیح بخط میخی نوشته شده بود و بعدها به حماسه «گیلگامش»<sup>۲</sup> معروف گردید.

یکی از قسمت های این حماسه که در روی لوحه یازدهم نوشته شده است، «گیلگامش» قهرمان داستان را نشان میدهد که نزد پدر بزرگش «اوتناپیشتی»<sup>۳</sup> میرود و او داستان وقوع طوفان را که خود در طی آن نقش مهمی را ایفا کرده بوده است برای نوه اش شرح میدهد. «اوتناپیشتی» که نوح بابلی ها بشمار میرود بوسیله ندای غیبی از طوفان قریب الوقوع آگاه میشود و بموقع کشتی های نظیر کشتی نوح میسازد و پس از بروز طوفان وی و «بستگانش» بآن پناه میبرند و خود را از خطر نجات میدهند. کشتی آنها پس از هفت روز دریا نوردی در روی کوه «نیزیر»<sup>۴</sup> در شرق دجله بسه شن می نشیند. «اوتناپیشتی» مانند نوح برای اینکه اطلاع پیدا کند که آیا آنها فرو نهشته اند، به ترتیب يك کبوتر، يك چلچله و يك کلاغ را رها میسازد. و چون کلاغ برنمیگردد، کشتی را ترك میگوید. حماسه «گیلگامش» که متن اصلی آن در «بریتیش میوزیم» لندن محفوظ است در سال ۱۸۷۶ بوسیله «اسمیت»<sup>۵</sup> به انگلیسی ترجمه شده است.

روایت آسوریها درباره طوفان مشابهت زیادی به روایت بابلیها دارد. در روایت آسوری شخصی بنام (ایزدوبار)<sup>۶</sup> نقش «گیلگامش» آسوری را به عهده دارد. و سازنده کشتی «هاسیس ادرا»<sup>۷</sup> نامیده میشود.

در داستان آسوری علت بروز طوفان را خشم الهی ذکر کرده اند ولی عواقب شوم این خشم فقط متوجه شهری شده که بین بغداد و حله کنونی واقع گردیده بوده است.

بهر حال این روایت قدیمی بابلی و آسوری با اضافات و شاخ و برگهای عجیبی از قبیل فرورفتن بلندترین کوهها در زیر آب و انهدام نسل بشر و امثال آن، در تورات منتقل گردیده است. اگر این شاخ و برگها و اضافات را حذف کنیم، میتوانیم نتیجه بگیریم که طوفان مشهور نوح فقط زمینهای پست مجاور رودخانه های دجله و فرات را فرا گرفته و محتملا از حدود سرزمینهای اطراف مصب این دو رودخانه تجاوز نکرده بوده است و کوه آرارات که بروایت تورات کشتی نوح روی آن به شن نشسته است بهیچوجه آن کوه بلندی که در ارمنستان واقع گردیده و بعدها آرارات نامیده شده نیست بلکه يك تپه کوچکی به همین نام در منطقه بین النهرین بوده است.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که «اوتر»<sup>۸</sup> در ترجمه متن عبری عبارت تورات درباره

طوفان نوح مرتکب اشتباهی گردیده و عبارت مورد بحث را چنین ترجمه کرده بوده است: «من طوفانی را از آب بوجود خواهم آورد» در صورتیکه ترجمه صحیح آن چنین است «من طوفانی را از دریا بوجود خواهم آورد». به استاد این ترجمه اصلاح شده محقق بنام «سونس» که قبلاً از او نام برده شد در سال ۱۸۸۳ اظهار عقیده کرد که علت بروز طوفان نوح پدید آمدن تلاطم در آبهای خلیج فارس بر اثر وقوع يك زلزله زیر دریائی بوده است. اینگونه تلاطم‌های دریائی طوفان‌زا که علت بروز آنها بروشنی معلوم نیست در تاریخ سوابق مستدی دارد. مثلاً در ژویه سال ۳۶۵ میلادی در نتیجه طغیان آب دریا که از يك زمین لرزه زیر دریائی پدید آمده بود، سواحل شرقی مدیترانه صدماتی فراوان دید. در تاریخ‌های نزدیک تر حوادث ناگوار مشابهی مثلاً در سال ۱۷۷۵ در نتیجه زلزله ایسبون و در سال ۱۸۸۳ در نتیجه ریزش کوه آتشفشان «گراکاتوا»<sup>۹</sup> در مجمع الجزایر «سوند»<sup>۱۰</sup> بوقوع پیوست. کولاک‌ها و گردبادهای دریائی نیز ممکن است موجب بروز حوادث مشابهی گردد. مثلاً در اکتبر سال ۱۷۳۷ شهر کلکته و مصب رودخانه‌های «گانژ»<sup>۱۱</sup> و «براهماپوتر»<sup>۱۲</sup> در نتیجه بروز گردبادهای شدید دچار صدمات فراوانی گردید. همچنین در نوامبر ۱۸۷۶ بر اثر طغیان آبهای مصب «براهماپوتر» در حدود ۲۵۰۰۰ نفر بهلاکت رسیدند. ویرانی بندر «کالاو»<sup>۱۳</sup> در کشور «پرو» به سال ۱۷۲۴ در نتیجه تلاطم آبهای دریاناشی از زمین لرزه و وارد آمدن آسیب، بعلت وقوع حادثه مشابهی، به «کونسپسیون»<sup>۱۴</sup> واقع در شیلی در سال ۱۸۳۵ و ویرانی بندر «گالوستون»<sup>۱۵</sup> در امریکای شمالی در سال ۱۹۰۰، نمونه‌هایی از عواقب طوفانهای محلی است که هر چند وقت یکبار رخ میدهد. در ظرف ۱۴۰ سال، یعنی از سال ۱۷۳۷ تا ۱۸۷۶ تنها در خلیج بنگال ۱۱۲ طوفان کم و بیش شدید بروز نموده و موجب هلاکت بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر گردیده است. محتملاً در حدود ۶۰۰۰ سال بیش حادثه مشابهی در سواحل قسمت شمالی رودخانه‌های دجله و فرات رخ داده بوده است. در متون بابلی و روایت تورات به وقوع طوفانی همراه با زمین لرزه اشاره شده است.

اخیراً محقق بنام «ولی»<sup>۱۵</sup> در ناحیه‌ای که قبلاً در آنجا رودخانه‌های دجله و فرات هر یک جداگانه به خلیج فارس میریخت، يك فشر رسوبی عظیمی بطول ۶۰۰ کیلومتر و بعرض ۱۵۰ کیلومتر کشف کرد که نشان میدهد در گذشته مورد تجاوز امواج آب به ارتفاع ۷ متر قرار گرفته بوده است. جای تعجب نیست که در اثر هجوم چنین امواجی این سرزمین مسطح زیر آب فرورفته و تمام موجودات زنده آن بهلاکت رسیده باشد. برای اینکه يك چنین حادثه‌ای به حدیکه در تورات تشریح گردیده مهلك بوده باشد، میبایستی در يك سرزمین فاقد پستی و بلندی و تقریباً هم سطح دریا بوقوع پیوسته باشد. اگر واقعاً چنین بوده است بسايد گفت که طوفان مشهور نوح با مقایسه با طوفانهای دیگری که در طول تاریخ بوقوع پیوسته ناچیز بوده

است. مثلاً ارتفاع امواجی که در سال ۱۷۳۷ به دلتای «کانز» و در سال ۱۸۷۶ به دلتای «براهماپوتر» هجوم آورد بمراتب از ۷ متر بیشتر بود و به ۱۲ و ۱۴ متر میرسید. همچنین ارتفاع امواج در سال ۱۷۵۵ در لیسبون به ۲۰ متر و در سال ۱۸۸۳ در «کراکاتوا» ۱۶ به ۳۶ متر رسید. بنابراین طوفان نوح در مقابل این طغیانهای آب، حادثه نسبتاً کم اهمیتی بوده است. ولی افرادی متعصب که عقیده دارند طوفان نوح يك حادثه استثنائی و غیر قابل مقایسه با سایر رویدادها بوده است؛ فرضیه «ولی» را مردود میدانند و میگویند قشر رسوبات کشف شده، ارتباطی با طوفان نوح نداشته بلکه مربوط به يك طغیان بی اهمیت آب بوده است ولی قضا درباره اینگونه امور به افق دید افراد بستگی دارد. شکی نیست که در نظر ساکنان زمینهای پست و مسطح بین النهرین، هجوم امواج ۷ متری که موجب هلاکت اهالی گردیده بوده است يك حادثه کوچکی تلقی نشده بلکه يك فاجعه عظیمی جلوه کرده بوده است. گرچه وقوع زلزله و بروز طغیان آب در خلیج فارس نادرتر است تا در خلیج بنگال و خلیج مکزیک و یا سواحل خاور دور، معذالك در خلیج فارس هم چنین حوادثی بوقوع پیوسته است. مثلاً در ماه مه ۱۷۶۹ در نتیجه بروز طوفانی که با بارانهای سیل آسا و تگرگ همراه بود صدمات سنگینی به بغداد و چندین قصبه بین النهرین وارد آمد. همچنین در اکتبر سال ۱۸۴۲ گرد بادی در خلیج عدن برخاست و باعث غرق شدن چندین نفر گردید و دامنه آن به خلیج فارس کشانیده شد و بجزیره بحرین آسیب وارد آورد.

بهر حال از قرائن و دلائلی که امروز در دست است میتوان نتیجه گرفت که يك چنان طوفان عظیم عالمگیری که نسل بشر را از بین برده باشد هرگز بوقوع نپیوسته است. آنچه در تورات درباره طوفان نوح نقل شده به جاری شدن سيل عظیم محلی ناشی از طغیان آب در اثر بروز زلزله در خلیج فارس مربوط بوده است که در نتیجه آن زمینهای اطراف مصب رودخانه های دجله و فرات زیر آب فرو رفته بوده است. بنابراین طوفان نوح واقعت تاریخی دارد ولی شرحی که درباره آن در تورات آمده است مانند تمام روایات قدیمی عامیانه خالی از اغراق نیست. این طوفان مسلماً پیش از هزاره سوم قبل از میلاد رخ داده بوده است زیرا در اسناد بابلی متعلق به قبل از آن تاریخ به چنین طوفانی اشاره ای نشده است.

بطور خلاصه میتوان گفت که پژوهش هائیکه اخیراً راجع به طوفان نوح بعمل آمده نتایجی را که «سوتس» در سال ۱۸۸۳ بآنها رسیده بود تأیید میکند. این نتایج بشرح زیر است:

- ۱- حادثه طبیعی که به طوفان نوح معروف است در طول قسمت سفلی رودخانه فرات رخ داده است و در نتیجه آن تمام زمینهای پست بین النهرین زیر آب فرو رفته بوده است.
- ۲- علت بروز این طوفان زلزله شدیدی است که در خلیج فارس بوقوع پیوسته بوده است.

و توزیع آن است، فهرستی که پس از یکسال از تاریخ کتابهای منتشره در دسترس خواستاران  
گذارده شود حکم رخت یس از عید را در مثل، معروف پیدا می کند.

۳- محتملا در موقع بروز زمین لرزه، گرد بادی از سوی جنوب بخلیج فارس روی  
آورده بوده است.

۴- هیچگونه قرائنی حاکی از آنکه طوفان طول قسمت های سفالی رودخانه های دجله  
وفرات، از حدود آن منطقه تجاوز کرده و تمام کره زمین را فرا گرفته باشد، در دست نیست.  
البته باید اذعان کرد که در هر قرن چندین بار حوادثی نظیر طوفانی که در تورات توصیف  
شده، در نقاط مختلف جهان رخ میدهد. از زمان طوفان نوح تا کنون بشریت دچار در حدود  
۲۰۰ بلیه به شدت این طوفان و حتی شدیدتر از آن گردیده است.

---

۱- Willcox	۲- Gil Gamesh	۳- Utuapishti
۴- Nizir	۵- Smith	۶- Izdubar
۷- Hasis-adra	۸- Luther	۹- Krakatoa
۱۰- Sonde	۱۱- Grange	۱۲- Brahmapoutre
۱۳- Callao	۱۴- Concaption	۱۵- Galyeston
۱۶- Wolley	۱۷- Krakatoa	

تذکار مهم

البته در باب طوفان نوح در قرآن کریم کتاب بزرگ دین پاک ما مطالبی مذکور  
افتاده است که مورد اعتقاد همه مسلمان جهانست و نباید از آن غافل و فارغ ماند.  
سوهر

پرتال جامع علوم انسانی

### اعتدال

که از افراط و تفریطش کرانست  
زهر دو جانبش قعر جحیم است  
نه روی گشتن و بودن براو دیر  
عدالت جسم را اقصی الکمالست

شیخ شبستری

همه اخلاق نیکو در میانست  
میانہ چون عراط المستقیم است  
بباریکی و تیزی موی و شمشیر  
ظهور نیکوئی در اعتدالست